



دمی با کاتبان رؤیا

صابر محمدی / مبارک‌شان باشد روز جهانی نویسنده. همین عنوان پرمناقشه نشان می‌دهد که آنها نعماتی بزرگ در روزگار کوچک شده ما هستند. همین که وقتی می‌گوییم «نویسنده»، یعنی هر آن‌کس که به نویسندگی دست می‌یازد. حالا چه درباره کروئولوژی تاریخ بنویسد، چه رمانی عاشقانه بپردازد و چه درباره عملکرد گیربکس در اتومبیل‌های کارخانه‌ای. همین شمولیت فراوان، نشان می‌دهد عملی که آنها مرتکب می‌شوند، عجتاً مهم‌تر از محصولی است که از نوشتن به دست می‌دهند. اما شما هم خوب می‌دانید که عنوان «نویسنده»، طی اختلالی زبانی- فرهنگی، دچار تقلیل یافتگی شده و امروز صرفاً به کسانی اطلاق می‌شود که داستانی می‌نویسند یا رمانی را خلق می‌کنند. راستش را بخواهید امروز، روز همه کسانی است که با قلم سر و کار دارند؛ مگر نه این است که شعر را هم «می‌نویسند». مگر نه این است که هر شاعری، نویسنده شعر است؟ در این چند روز آیا دیدید کسی برای دوست شاعرش یا فیلسوفش یا دوستی که کتاب‌هایی مفید درباره حوزه‌های مختلف علم از جمله همان گیربکس می‌نویسد، پیام تبریکی بفرستد؟ نه! م. مؤید شاعر دل‌به‌مذهب‌سپرده گیلانی باری از قول بزرگی می‌گفت پایم را سمت کلمه دراز نمی‌کنم، ولو درباره ماتریالیسم باشد.

با این حال اجازه بدهید در این چند صفحه پیش‌رو، ما هم، با همان عنوان تقلیل‌یافته نویسنده که صرفاً به داستان‌نویس‌ها و رمان‌نویس‌ها اطلاق می‌شود سر و کار داشته باشیم. امروز به اتاق کار آنها سرک کشیده‌ایم. در اتاق کار کوچک آنها گاه بزرگ‌ترین رخدادهای بشری روی داده‌اند؛ تولستوی جنگ و صلحش را در اتاق کوچک کلبه معروفش نوشت و جهان ادبیات داستانی را متحول کرد. همین‌طور داستایوفسکی، همین‌طور لویی فردینان سلین و پیش از آنها سروانتس و هنری فیلدینگ و لارنس استرن. در این اتاق‌ها چه می‌گذرد؟ هر اتاقی مرکز جهان است و اگر این اتاق، اتاق کسی باشد که آنجا کلمه صادر می‌کند به جهان، آن اتاق هم مرکز جهان است و هم نقطه ثقل آن. نگوئید که نفس‌شان از جای گرم بلند می‌شود. نگوئید در این وانفسا، کلمه قرار است برای انسان چه کند. نگوئید... اگر در همین وانفسا، کلمه برای انسان کاری نکند، پس چه کار کند؟

اتاق صاحبان کلمات جهان، محفل راز است؛ چه رازهایی؟ در صفحات پیش‌رو به این پرسش از چند زاویه پاسخ گفته‌ایم. ابراهیم افشار، پیشکسوت ما که باعث افتخار است کنارش قلم می‌زنیم، از برخی عادات نوشته و البته اگر با قلمش آشنا باشید می‌دانید که محدود و محصور به یافتن پاسخی برای پرسش امروز نمانده است. دیگر همکارمان فرحناز دهقی، سراغ چند عادت معروف و در عین حال عجیب چند نویسنده رفته و آنها را فهرست کرده است. در عین حال با ابوتراب خسروی نیز در این باره گفت‌وگو کرده‌ایم؛ رمان‌نویسی که بر سازنده شمایل کاتب/نویسنده در رمان ایران بوده و بر استقرار آن در شیوه کارش اصرار ورزیده است. حرف‌های او درباره عادات و آداب نوشتنش خواندنی است. جدای از اینها از آن سوی ماجرا هم به آن نگاه کرده‌ایم؛ آنها که تحویلش می‌گیرند با آن چه می‌کنند؟

سفر به دنیای کلمات با کاتب اسفار کاتبان

گپ‌وگفتی با ابوتراب خسروی درباره شرایط نوشتن و نویسندگی به بهانه روز جهانی نویسنده

← یازده آبان مصادف با اول نوامبر، روز جهانی نویسندگان بود و در تعریف نویسنده حرفه‌ای هم آورده‌اند که نویسنده حرفه‌ای کسی است که جز نوشتن کار دیگری انجام نمی‌دهد اما نویسندگی عشق بازی مدام با کلمات هم هست، کلماتی که از عمق وجود نویسنده نشأت می‌گیرد. با این حال این روزها جهان چنان درگیر وحشت کروناست که کمتر کسی حواس اش به این روز بود و کمتر تجلیلی از نویسندگانی شد که این جهان زیر را با کلمات‌شان تحمل‌پذیر و زیبا می‌کنند. یکی از آنها ابوتراب خسروی است که اتفاقاً سرفه‌های طولانی و نفس‌تنگی‌اش نشان از ابتلای به کرونا داشت اما نخواست این گفت‌وگو ناتمام بماند و بسختی اما با مهربانی تمام به سؤالات پاسخ داد. ابوتراب کتاب‌های مهمی دارد از جمله رمان «اسفار کاتبان» که سال ۱۳۷۹ برنده جایزه ادبی مهرگان شد و رمانی است سراسر عجیب و غریب که نمی‌شود آن را لحظه‌ای کنار گذاشت؛ یا مجموعه داستان‌های «هاویه»، «دیوان سومنات»، «ویران» و رمان‌های دیگری مثل «رود راوی» و «ملکان عذاب» که تقریباً تمام‌شان جایزه‌های مهمی در حوزه داستان ایرانی به دست آورده‌اند. ابوتراب با هر کلمه چنان احساس قربانی دارد و به اصلتش توجه می‌کند که مخاطب نیز ناگزیر می‌شود این اصالت را با پوست و گوشت و استخوانش دریابد و در جهانی پررمز و راز از کلمات غرق شود. همین است که او را به نویسنده‌ای کهنه‌کار و مهم تبدیل کرده، نویسنده‌ای که کلمات برایش مهم هستند و اصلی‌ترین حرف‌ها را می‌زنند. ابوتراب خسروی سال ۱۳۳۵ در شهر فسا به دنیا آمد. پدرش نظامی بود به همین دلیل سال‌های جوانی او در شهرهای گوناگون ایران گذشت. سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ در دبیرستانی در اصفهان درس خواند و یکی از شاگردان «هوشنگ گلشیری» به حساب می‌آید. این گفت‌وگو درباره زندگی حرفه‌ای آقای نویسنده است.



نوشتن در بچه‌ای به دنیای شگفت‌انگیز

← اختراع نوشتن، آن گام بزرگی بود که علم و خرد انسان را ده‌ها گام به پیش راند و باعث شد نظریات و تحلیل‌ها راحت‌تر از آنچه تصور می‌شد قوت بگیرد. نویسندگی نه تنها مهم‌ترین ابزار استدلال و استنتاج است، بلکه به‌عنوان یکی از متدهای روان‌کاوی و بازیابی روحی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگرچه نویسندگی نیازمند استعداد ذاتی و درونی است اما مسیری نیست که بتوان بدون داشتن نظم، پشتکار و اشتیاق در آن قدم گذاشت. از سالیان‌جرا که دور از جماعت خشمگین روزها و هفته‌ها در خانه‌اش به نوشتن مشغول می‌شد و تنها با تخم‌مرغ و قهوه دوام می‌آورد

فرحناز دهقی / مترجم

